

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1387/11/06

موضوع : سجده بر مهر از دیدگاه فریقین : سجده در عصر نبوت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على

رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با سجده «وما يسجد عليه» بود، روایات ائمه (علیهم السلام) را خون‌دیم نظر بزرگان شیعه را خواندیم، یک نمونه نظر فقهای اهل سنت را بیان کردیم تا به روایات اهل سنت رسیدیم، قبل از این که به روایات اهل سنت پردازیم خوب است به یک نکته‌ای ظریفی اشاره کنم، این نکته معمولاً در شبهه‌ای که علیه شیعه مطرح می‌شود مورد غفلت قرار گرفته است.

نکته ظریف عدم فرق بین «مسجود له» و بین «مسجود علیه» است شما اگر کتاب‌های وهابی‌ها را ببینید معمولاً از بحث مهر تعبیر به بت پرستی می‌کنند، می‌گویند شیعه‌ها مهر را می‌پرستند و سجده بر مهر می‌کنند، نه سجده به مهر! بین مسجود بر مهر و یا سجده به مهر فرق است.

به تعبیر حاج آقای «سبحانی» می‌گوید بین «مسجود له» و «مسجود علیه» فرق است، بله اگر چنانچه این مهر «مسجود له» باشد قطعاً شرک و بت پرستی است اگر کسی به این سجده کند و در حقیقت سجده‌ای که بر مهر می‌کند به عنوان خضوع در برابر مهر است؛ ولی اگر سجده به روی مهر باشد نه بر مهر این فرق می‌کند.

اگر سجده به روی مهر و خضوعاً لله باشد، این هیچ اشکالی را ایجاد نمی‌کند؛ چون آن کسی که بر روی مهر سر می‌گذارد با این جمله ذکرش را آغاز می‌کند «سبحان رب الاعلی و بحمده» نمی‌گوید: «سبحان رب التراب مسجود له» بلکه می‌گوید: «سبحان رب الاعلی و بحمده» و وقتی که از سجده بر می‌خیزد با «الله اکبر» از سجده بر می‌خیزد و وقتی که دوباره به سجده می‌رود دوباره با «الله اکبر» به سجده می‌رود.

این دیگر نهایت حماقت افرادی است که شیعه را متهم به مهر پرستی و یا بت پرستی می‌کنند، این نکته‌ای است که عزیزان در ذهن مبارکشان باشد، ان شاء الله ما در این زمینه مفصل بحث می‌کنیم و عبارت وهابی‌ها را که در این زمینه ما را متهم می‌کنند خدمت تان بیان می‌کنیم.

در رابطه با «ما یسجد علیه» قبلاً من یک فهرستی از این‌ها را خدمت عزیزان عرض کردم و گفتم که ما سنت در سجده در عصر پیغمبر را باید خوب به نمایش بگذاریم، کلاً روایاتی که اهل سنت از سجده نبی مکرم، سجده‌ای صحابه در عصر رسول اکرم دارد، این بهترین ملاک و معیار برای تشخیص «مایسجد علیه» صحیح از ما «یسجد علیه» غیر صحیح است.

روایت اول:

این روایت را شیعه و سنی نقل کرده‌اند که پیغمبر فرمودند:

«وَجَعَلْتُ لِي الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَطَهْرًا»

زمین سجده گاه و طهارت برای من قرار داده شده است

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256 ، دار النشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987 ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 128، حديث 328.

شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که مراد از «وَطْهُورًا» تیمم است؛ چون یکی از طهارت‌های که در کنار وضو و غسل مطرح است و انسان را مطهر می‌سازد «تیمم» است.

این:

«وَجَعَلْتُ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطْهُورًا»

می‌خواهد بگوید همان طوری که «غسل» انسان را مطهر می‌کند «وضوء» انسان را مطهر می‌کند، «تیمم» به خاک و ارض هم انسان را مطهر می‌کند.

آیا آقایان اهل سنت «تیمم» به کور عمامه و به روی عبا و یا به روی فرش را جایز می‌دانند؛ یا نه آقایان متلزم هستند که «تیمم» حتما بر روی خاک و یا به روی سنگ صورت بگیرد؟

اگر چنانچه به استناد همین روایتی که در «صحيح بخاری» و « صحيح مسلم» است نبی مکرم فرموده زمین جزء مطهرات است که انسان را برای نماز مطهر و با طهارت می‌کند، و در ردیف وضوء و غسل است، اگر شما «تیمم» بر جنس ارض را شرط می‌دانید، چرا شما سجده بر جنس ارض را جایز نمی‌دانید؟

چون دارد:

«وَجَعَلْتُ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطْهُورًا»

قرینه دیگر در این جا ، قرینه‌ی همجواری است، قرینه‌ی همجواری یکی از بهترین قراین است، نبی مکرم آمده محل سجده را با محل تیمم یکی کرده است، هر حکمی که شما در «تیمم» می‌گویید ملزم هستید که در «سجده» هم بگویید.

روایت دوم:

روایت را آقایان از «ابن عباس» نقل کرده‌اند که نبی مکرم (صلی الله علیه واله وسلم) فرمودند:

«أن النبي صلى الله عليه وسلم سجد على الحجر»

المستدرک علی الصحیحین ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: 405 هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا، ج 1، ص 646، ح 1740.

در این هیچ شک و شبهه‌ای نیست، «حاکم نیشابوری» این روایت را آورده و می‌گوید روایت صحیح است. ذهبی هم در تلخیص مستدرک می‌گوید روایت صحیح است.

«أن النبي صلى الله عليه وسلم سجد على الحجر»

نبی مکرم بر روی سنگ سجده کردند

روایت سوم:

در صحیح مسلم است از ابو سعید خدری نقل می‌کند:

«أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَرَأَيْتُهُ يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ يَسْجُدُ عَلَيْهِ»

نبی مکرم بر روی حصیر نماز می‌خواند و بر روی حصیر هم سجده می‌کند

صحیح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261 ، دار النشر : دار إحياء

التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 369، ح 519.

پس روایت دوم «يسجد على الحجر» و روایت سوم «يسجد على الحصير» شد.

روایت چهارم:

روایت چهارم از «میمونه ام المؤمنین»

«كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي عَلَى الْحُمْرَةِ»

نبی مکرم (صلی الله علیه واله وسلم) بر خمره، سجده می‌کردند

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256 ، دار النشر : دار

ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987 ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا، ج 1، ص 150، حديث

.374

این روایت در «صحیح مسلم» ج 2، ص 128 هم آمده و در کتاب‌های دیگرشان هم وجود دارد.

همچنین از «ابن عباس» نقل می‌کنند:

«كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يُصَلِّي على الخُمْرَةِ»

الجامع الصحيح سنن الترمذي ، اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمى الوفاة: 279 ، دار النشر :

دار إحياء التراث العربي - بيروت - - ، تحقيق : أحمد محمد شاكر وآخرون، ج 2، ص 151، باب صلاة على الخمرة

ما در رابطه با خمره، قبلاً مفصل بحث کردیم که مراد از خمره جانماز است. جانمازی که از حصیر به اندازه‌ای که وجه و کفین روی آن قرار بگیرد درست می‌کردند.

«ابن حجر» می‌گوید:

«الخمرة بالضم حصير صغير مضمور بقدر الوجه والكفين»

هدى الساري مقدمة فتح الباري شرح صحيح البخاري ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني

الشافعي الوفاة: 852 ، دار النشر : دار المعرفة - بيروت - 1379 - ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، محب الدين

الخطيب ج 1، ص 114

«نووی» در «شرح صحیح مسلم» می‌گوید:

«أما الخمرة فبضم الخاء واسكان الميم قال الهروي وغيره هي هذه السجادة»

این همان سجاده و محل سجده است.

«وهي ما يضع عليه الرجل جزء وجهه في سجوده»

خمره چیزی است که مرد بخشی از صورتش را بر او می‌گذارد

«من حصیر»

از حصیر بافته می‌شود.

صحیح مسلم بشرح النووی ، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي الوفاة: 676 ، دار النشر : دار

إحياء التراث العربي - بيروت - 1392 ، الطبعة : الطبعة الثانية ج 3، ص 209.

همچنین «عینی» در «شرح صحیح بخاری» می‌گوید:

«حصیر صغیر يعمل من سعف النخل»

«سعف» یعنی از شاخه‌های نخل بافته می‌شود.

«وینسج بالسیور والخیوط»

در ضمن این‌که از شاخه‌های نخل می‌بافند با نخ هم آن را به همدیگر می‌بندند، مثل سجاده‌هایی که برای حاجی‌ها در مکه می‌دهند، در ضمن این‌که از حصیر یا از نی بید است با نخ هم این را می‌بافند که خیلی شکیل و زیبا می‌شود.

حالا چطور صراحت دارد؟

«وهي على قدرها ما يوضع عليها الوجه والأنف»

به قدری است که انسان صورت و بینی‌اش روی آن قرار بگیرد.

«فإذا كبرت عن ذلك تسمى حصيراً»

اگر بزرگ‌تر از این باشد حصیر می‌شود.

عمدة القاري شرح صحيح البخاري ، اسم المؤلف: بدر الدين محمود بن أحمد العيني الوفاة: 855هـ ، دار النشر : دار

إحياء التراث العربي - بيروت ج 4، ص 299

یعنی این خمره تقریباً به اندازه برگه A4 است که کفین و وجه روی او قرار بگیرد. یا به تعبیری که ایشان می‌آورد می‌گوید به اندازه کف دست به طوری که پیشانی و بینی انسان روی آن قرار بگیرد.

بنا به نقل «ابن حجر» به اندازه جانمازهای رسمی ما است که دو دست انسان و پیشانی روی آن قرار می‌گیرد، یا جانمازهای کوچکی که جدیداً درست می‌کنند به اندازه‌ای که پیشانی و بینی انسان روی آن قرار بگیرد. می‌گوید اگر از این بزرگ‌تر باشد از آن تعبیر به حصیر می‌کنند.

پرسش:

حاج آقا! اهل سنت و وهابی‌ها سجده بر مهر و زمین و سنگ را باطل می‌دانند؟

پاسخ:

نه باطل نمی‌دانند.

پرسش:

فقط وهابیت می‌دانند؟

پاسخ:

نه، هیچ کدام سجده بر زمین را باطل نمی‌دانند، سجده‌ای بر زمین را جایز می‌دانند آن‌ها به ما خرده می‌گیرند که شما چرا بر روی فرش، سجده نمی‌کنید؟ بر ارض متفقٌ علیه هستیم آن‌ها هم روی زمین سجده، یا روی خاک سجده و حصیر سجده می‌کنند؛ یعنی «ما یُسجد علیه» شیعه «ما یُسجد علیه» اهل سنت هم است، غیر از مهر! این‌ها سجده روی مهر را باطل می‌دانند، می‌گویند مهر، یک نوع بت‌پرستی است، در رابطه با مهر ما مفصل بحث خواهیم کرد، در رابطه با مهر باید یک فصل مستقلی باز کنیم.

الان ما در اصل «ما یسجد علیه» هستیم، در اصل «مایسجد علیه» دنبال این هستیم که می‌خواهیم ثابت کنیم نبی مکرم بر چیزی سجده می‌کرد که شیعه امروز سجده می‌کند.

شما مهر را حذف کنید و کنار بگذارید، فرض بفرمایید شما در حرم حضرت معصومه می‌خواهید نماز بخوانید کف زمین مرمر است سجده می‌کنید، یا در بیابان به خاک سجده می‌کنید، یا بر سنگ سجده می‌کنید؛ ما می‌خواهیم بگوییم این‌که شیعه سجده می‌کند «مسجود علیه» نبی مکرم و صحابه هم همین بوده است.

می‌خواهیم سجده نبی مکرم، بر روی فرش، لباس، کور عمامه، آستین لباس و غیره را نفی کنیم، ما دنبال این هستیم.

پرسش:

استاد! وهابی‌ها سنت نمی‌دانند حتی مقدم نمی‌دانند روی زمین معمولی سجده کنند؟

پاسخ؟

نه، برای شان هیچ فرقی نمی‌کنند، حتی بعضا بر روی عین نجاست هم سجده کند کسی اشکالی نمی‌داند؛ یعنی اگر عذره‌ی حیوانی و پشنگلی گوسفندی هم باشد آقایان روی آن سجده می‌کنند، برای شان هیچ فرقی نمی‌کند؛ یعنی فرش با پشگل حیوانات در سجده کردن از این جهت که سجده صحیح است هیچ تفاوتی برای شان نمی‌کند.

پرسش:

اهل سنت هم سجده روی مهر را باطل می‌دانند یا فقط وهابی‌ها باطل می‌دانند؟

پاسخ:

همه باطل می‌دانند، مه‌ری که ما به این شکل داریم آقایان می‌گویند بت‌پرستی است اختصاصی به وهابیت ندارد

پرسش:

پیغمبر و صحابه هم آیا روی فرش سجده می‌کردند؟

پاسخ:

ما دنبال همین هستیم که ببینیم آیا روی فرش، نماز خواندند یا نه؟ روی نمد نماز خواندند؟ آن زمان قالی نبود؛ ولی گلیم که بوده اصلاً غیر از این‌ها، آیا روی عبا‌ی شان سجده کردند یا نه؟ ما کاری به موارد ضروری نداریم ما دنبال این هستیم که نبی مکرم و صحابه «من دون تبرید و من دون حراره» آیا این‌ها بر عبا و قبا و لباس و عمامه سجده کرده‌اند یا نه؟

تا الان ما چهار دسته روایت خواندیم:

یک:

«وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا»

دو:

«أَنْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَجَدَ عَلَى الْحَجَرِ»

سه:

«يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ يَسْجُدُ عَلَيْهِ»

چهار:

«يُصَلِّي عَلَى الْخُمْرَةِ»

خمره را هم معنا کردیم، همه آقایان صراحت دارند بر این که مراد از خمره، عبارت از جانمازی است که ما داریم.

«طبری» یک تعبیر زیبای دارد می گوید:

«قال الطبري هو مصلی صغير يعمل من سعف النخل»

سجدگاه کوچکی است که از شاخه های خرما بافته می شود.

«سمیت بذلك»

چرا به این خمره می گویند؟

«لسترها الوجه والكفين»

در حقیقت واژه خمره یا خِمار چارقدی است که زن‌ها می‌بافند و می‌پوشند به آن خمره می‌گویند، این‌جا هم اگر ما خمره می‌گوییم به خاطر این‌که، موقع سجده کردن وجه و کفین را می‌پوشاند.

«من حر الأرض وبردها»

تحفة الأحوذی - (ج 2 / ص 247)، باب ما جاء فی الصلاة علی الخمره؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: 852 ، دار النشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب، ج 1، ص 430

همان‌طوری که خِمار سر زن را از نامحرم می‌پوشاند این خمره هم صورت و کفین مصلی را از برد و حرّ زمین می‌پوشاند

« فإن كانت كبيره سميت حصيرا »

پرسش:

آن‌ها شاید نقاب یا چیزی را که روی سر و صورت قرار می‌گیرد منظورشان باشد؟

پاسخ:

شاید! عمدتاً آن‌چه که ذهنم است «خِمار» روسری را معنا می‌کنند، نقاب غیر از پوشیه آن است، پوشیه یک اصطلاح دیگری است در مورد «خِمار» دارد که باید زیر گلو را هم باید بپوشاند.

پرسش:

خانم‌های عرب که استفاده می‌کردند جدا بوده که در قرآن هم آمده :

(وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ)

و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)

سوره نور (24): آیه 31

روی سینه‌های خود بیاندازند که سینه‌ها پیدا نباشد

پاسخ:

نه، به این «خمار» نمی‌گویند از این به «ستار، پوشیه و نقاب» تعبیر می‌کنند فرق می‌کند نقاب «یُستَر على الوجه» با «یستر على الرأس» فرق می‌کند.

پرسش:

استاد ببخشید! تعبیر که ذهبی داشت از کدام کتاب بود؟

پاسخ:

این را آقای «مبارک فوری» در «تحفه احوذی» ج 2، ص 246 از «طبری» نقل می‌کند، منابع دیگر هم دارند.

پس ما تا این‌جا چهار دسته روایت را خواندیم در ادامه دسته چهارم:

«عایشه» هم نقل می‌کند این روایت خیلی زیبا است

«قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم ناوليني الخُمرة من المسجد»

پیغمبر از مسجد من را صدا کرد گفت خمره مرا بده من رویش نماز بخوانم.

پیغمبر در مسجد بود من در حجره‌ام بودم!

«قالت فقلت إني حائض»

«عایشه» گفت من در حال حیض هستم

«فقال إِنَّ حَيْضَتَكَ لَيْسَتْ فِي يَدِكَ»

دست تو که حائض نیست.

صحیح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261 ، دار النشر : دار إحياء

التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 244، ح 298

با دستت می‌خواهی خمره را به من بدهی! درست است که تو حائض هستی ولی برای چه نمی‌توانی به خمره دست

بزنی؟ خودت حائض هستی ولی دستت که حائض نیست؟

مشخص است که نبی مکرم، مقید بوده خمره یا جانمازی که درست کرده بر روی جانماز ثابت خودش سجده کند.

روایت بعدی از هم از «عایشه» است:

« أنها قالت كان لرسول الله صلى الله عليه وسلم حصيرٌ وكان يُحجِّرُهُ من اللَّيْلِ فَيَصَلِّي فِيهِ »

پیغمبر اکرم یک حصیری داشت این را از اول شب کنار می گذاشت صبح که به مسجد می رود با خودش ببرد و روی آن نماز بخواند

صحیح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261 ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج 1، ص 540، ح 782.

یعنی پیغمبر در تاریکی دنبال جانماز نگردهد.

پرسش:

جنس حصیر از درخت خرما بوده؟

پاسخ:

جنس حصیر، عمدتاً از درخت خرما است، ما دو نوع حصیر داریم، حصیر را هم از درخت خرما و هم از نی می بافند و به هر دو حصیر می گویند.

«هیثمی» هم از «عبدالله ابن عمر» نقل می کند:

«كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يصلي على الخمرة.... ويسجد عليها»

از «ام سلمه» هم نقل شده:

«كان لرسول الله صلى الله عليه وسلم حصير وخمرة يصلي عليها»

پیغمبر هم حصیر داشت که بر روی آن سجده می کرد؛ یعنی سجاده ای از حصیر و هم جانمازی از حصیر داشته؛ چون ما از «عایشه» دو تا روایت داشتیم یک روایت خمره و یک روایت حصیر بود.

روایت «ام السلمه» این را جمع و روشن کرده که پیغمبر اکرم هم سجاده‌ای حصیری و هم جانماز حصیری داشته است.

«اخرجه ابويعلى والطبرانی فی الكبير واللاوسط ورجال ابی يعلى رجال الصحيح»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، اسم المؤلف: علي بن أبي بكر الهيثمي الوفاة: 807 ، دار النشر : دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة , بيروت - 1407، ج 2، ص 56 و 57 باب الصلاة على الخمره

این چهار دسته روایت! ما این چهار- پنج تا روایت را جزو دسته چهارم شمردیم؛ یعنی: «كل ما يدل بأن رسول الله يسجد على الخمره وله خمره ثابتة»

از اول شب هم این جانماز را کنار و آماده می گذاشت تا وقتی به مسجد برود آماده باشد، شاید اواخر عمر نبی مکرم مسجد را فرش پهن کرده بودند، نبی مکرم می خواست روی فرش نباشد.

«ابن قدامه» که این همه احتمال عجیب و غریب می دهد، این احتمال معقول هم است؛ اگر مسجد «ما يُسجد عليه الصحيح» بود، اگر در مسجد حصیر پهن کرده بودند لازم نبود که پیغمبر از خانه اش حصیر ببرد، اگر چنانچه در مسجد خاک یا تراب بود لازم نبود پیغمبر به «عایشه» بگوید:

«نَاولِينِي الحُمْرَةَ»

این یک احتمال عقلانی است که شاید اواخر عمر حضرت مسجد را فرش کرده بودند نبی مکرم نمی خواست روی فرش سجده کند می فرماید: «نَاولِينِي حُمْرَتِي»

تا این جا دسته چهارم از روایت بود.

روایت پنجم:

دسته‌ای پنجم از روایات است که صحابه بر روی ریگ‌های داغ سجده می‌کردند، داغی این ریگ‌ها صحابه را اذیت می‌کرد، این‌ها مقداری از ریگ را به دست‌شان می‌گرفتند و در دست‌شان جابه‌جا می‌کردند تا یک مقداری خنک بشود تا وقتی به سجده می‌روند از این ریگ‌ها استفاده کنند.

«جابر ابن عبدالله انصاری» می‌گوید:

«كنت أصلي مع رسول الله صلى الله عليه وسلم الظهر»

ظهر پشت سر پیغمبر نماز می‌خواندیم

« فَأَحْذُ قَبْضَهُ مِنَ الْحَصَى »

یک مشت از ریگ‌ها را بر می‌داشتند

« فَأَجْعَلُهَا فِي كَفِّي »

در یک کف دستم قرار می‌دادم

« ثُمَّ أَحْوَلُهَا إِلَى الْكَفِّ الْأُخْرَى حَتَّى تَبْرُدَ »

ریگ‌ها را در دست‌انم جابه‌جا می‌کردم تا در اثر گرداندن خنک بشود.

« ثُمَّ أَضَعُهَا لِجَبِينِي »

هنگام سجده ریگ‌ها را روی زمین می‌گذاشتم و سجده می‌کردم.

«حين أشجُد من شدّة الحرّ»

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار ، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبّة الكوفي الوفاة: 235 ، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - 1409 ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: كمال يوسف الحوت ج 1، ص 286، ح 3275.

این خیلی واضح و روشن است! اگر چنانچه سجده بر کور عمامه، عبا و دامن جایز بود نیازی نبود که یک شخص بزرگواری مثل «جابر بن عبدالله انصاری» مشتی از این ریگ‌های داغ را در دستش جابجا کند تا خنک شود، مشخص است که سجده بر کور عمامه و... باطل بوده در غیر این صورت همچنین کاری برای صحابه هیچ معنا ندارد، این در حقیقت یک کار غیر عقلانی است.

«جابر» هم جزو فقرا نبود به قول آقای «ابن قدامه» که بگوید عمامه نداشته، آستینش کوتاه و چین و چنان بوده! آن عبارت و توجیه «ابن قدامه» خیلی خنده آور است! من هر وقت توجیه «ابن قدامه» به یاد می‌آید خنده‌ام می‌گیرد.

روایت داشت که از «رمضاء» به پیغمبر شکایت کردیم و پیغمبر به شکایت توجه نکرد! «ابن قدامه» می‌گوید این‌ها فقیر بودند عمامه نداشتند، آستین‌شان کوتاه بوده است!!

درباره «جابر بن عبدالله انصاری» کسی نمی‌تواند بگوید ایشان فقیر بوده و از شدت فقر عمامه نداشته آستینش یک مقداری کوتاه‌تر از دیگران بوده!

این روایت را منابع دیگر مانند: «مسند احمد» ج 3، ص 327؛ «سنن بیهقی» ج 1، ص 439 و... هم نقل می‌کند.

جالب این است «بیهقی» در ذیل این روایت می‌گوید:

«ولو جاز السجود علی ثوب متصل به»

اگر سجده بر لباسی که بر تن آقای «جابر» است جایز بود

« لكان ذلك أسهل من تبريد الحصى في الكف ووضعها للسجود عليها»

اگر چنانچه سجده بر لباس جایز بود، خیلی راحت‌تر بود تا این‌که بخواهد ریگ‌ها را در دستش بچرخاند، خنک کند و بر آن سجده کند.

سنن البیهقی الکبری ، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البیهقی الوفاة: 458 ، دار النشر :

مکتبة دار الباز - مكة المكرمة - 1414 - 1994 ، تحقیق : محمد عبد القادر عطا ج 2، ص 105، ح 2490

پرسش:

آدرسش با قبلی فرق داره؟

پاسخ:

بله این در جلد دوم است، تعلیقه‌ای که ایشان دارد، در جلد دوم است.

باز سنن بیهقی از «انس» نقل می‌کند

«كنا نصلي مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في شدة الحر فيأخذ أحدنا الحصباء في يده»

ما با پیغمبر اکرم بودیم ریگ‌ها را به دستمان می‌گرفتیم...

« فإذا برد وضعه وسجد عليه »

وقتی ریگ خنک می شد روی زمین می گذاشتیم و بر روی آن سجده می کردیم.

سنن البيهقي الكبرى ، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الوفاة: 458 ، دار النشر :
مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - 1414 - 1994 ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ج 2، ص 106، ح 2497.

روایت «خباب» را که قبلا از «صحيح مسلم» نقل کردیم و بعدا مفصل در مورد آن بحث خواهیم کرد:

« شكونا إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم شدة الرمضاء في جباهنا وأكفنا »

شدت داغی زمین که بر دست‌ها و پیشانی‌مان اثر می‌گذارد به پیغمبر گلیه و شکایت کردیم

پیغمبر(صلی الله علیه واله وسلم) به گلیه و شکایت ما توجهی نکرد.

سنن البيهقي الكبرى ، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الوفاة: 458 ، دار النشر :
مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - 1414 - 1994 ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا، ج 2، ص 104، ح 2489

جالب این است «ابن اثیر» در کتاب «النهاية»؛ کتاب «النهاية» «ابن اثیر» مشکلات لغات حدیثی را مطرح کرده، مثل «مجمع البحرين»، «طریحی» که کتاب لغت است ولی نه کتاب هر لغت! بلکه کتاب لغت مشکله‌ی در حدیث است.

ایشان می‌گوید:

« وأنهم لما شكوا عليه ما يجدون من ذلك لم يفسح لهم أن يسجدوا على طرف ثيابهم »

این‌های که به پیغمبر از شدت «رمضاء» شکایت کردند می‌خواستند پیغمبر به این‌ها اجازه بدهد تا به گوشه لباس‌شان سجده کنند.

النهاية في غريب الحديث والأثر ، اسم المؤلف: أبو السعادات المبارك بن محمد الجزري الوفاة: 606 ، دار النشر :
المكتبة العلمية - بيروت - 1399هـ - 1979م ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، ج 2، ص 497.

ماده شكّي

این هم حرف آقای «ابن قدامه» را کاملاً رد می‌کند؛ یعنی نظر این‌ها که می‌گفتند یا رسول الله این شدت «رمضاء»
ما را اذیت می‌کند و بر کف و جبین ما اثر می‌گذارد می‌خواستند پیغمبر به این‌ها اجازه بدهد که تا این‌ها به گوشه
لباسشان، سجده کنند

« فلم يُشكنا »

یعنی پیغمبر به ما همچنین اجازه‌ای نداد.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته

پرسش:

حاج آقا روایت دوم که «ذهبی» و «حاکم» دو تایشان هم صحیح می‌دانند می‌کنند به منزله ورود در «صاحح» است

پاسخ:

بله در «صحیح بخاری» و «مسلم» است.